

فیل در تاریکی

شرایط فعلی و فراز و نشیبهای این چند وقت مرا به یاد داستان مثنوی انداخت. داستان فیل در تاریکی .

شهری بود که مردمش اصلاً فیل ندیده بودند. از هند فیلی آوردند و به خانه تاریکی بردند و مردم را به تماشای آن دعوت کردند. مردم در آن تاریکی نمی‌توانستند فیل را با چشم ببینند، ناچار بودند با دست آن را لمس کنند. کسی که دستش به خرطوم فیل رسید. گفت: فیل مانند یک لوله بزرگ است. دیگری که گوش فیل را با دست گرفت، گفت: فیل مثل بادبزنی است. یکی بر پای فیل دست کشید و گفت: فیل مثل ستون است و کسی دیگر پشت فیل را با دست لمس کرد و فکر کرد که فیل مانند تخت خواب است. آنها وقتی نام فیل را می‌شنیدند هر کدام گمان می‌کردند که فیل همان است که تصور کرده‌اند. فهم و تصور آنها از فیل مختلف بود و سخنانشان نیز متفاوت بود.

همچنان هر یک به جزیی کو رسید
فهم آن می‌کرد و بر آن می‌تپید
از نظر گه گفتشان شد مختلف
آن یکی دالش لقب داد آن الف و

تحلیل‌های ما از سناریوهای اجرا شده و نشده نظام آخوندی حاکم بر ایران چنان مختلف شده که هر کس به نوعی فقط جزیی از آن را شرح می‌دهد. غافل از این که فیل در تاریکی همچنان به زندگی ادامه می‌دهد. تازه آقایونی که خود دستی در جنایات سی سال گذشته رژیم داشتند به یکباره دمکرات شده و در جنگ قدرتی که خود به راه انداخته‌اند هر روز تنها گوشه کوچکی از جنایتهایشان را رو میکنند. اصلاح‌طلبان و در راس آنان موسوی . شیخ کروبی . هاشمی و گروه کثیری از جلدان که خود روزگاری فرمان اعدام‌ها . قتل‌ها . تجاوزها و هزاران جنایت دیگر را امضا کرده‌اند این روزها برای سهم طلبی از فاشیست دوران خامنه‌ای و ارادل و اوباشش دست به افشاکاری زده و هر روز با نامه نگاری به هم سعی در منحرف کردن جنبش مردمی را دارند . آقای موسوی در تازه‌ترین گفتار خود گلایه می‌کند که چرا دوستانش در بیدادگاه رژیم در کنار منافقین (به زعم ایشان) نشانده شدند.

مردم خواهان طرح خواسته‌ها و اعتراضات خود در جوی آرام و عاری از تشنج بوده و هستند و آن کسانی که با برهم زدن تجمعات آرام مردم آن‌را حرکت اعتراضی مردم که بر پایه گفتمانی در چارچوبه قانون اساسی استوار است و با شعارهای برگرفته از شعارهای انقلاب شکل گرفته در جهت منافع بیگانگان است یا برگزاری دادگاه‌های نمایشی که در آن منافقین منفور را در کنار فرزندان و شخصیت‌های انقلاب می‌نشانند (به تاریخ 21 مرداد در نشست با اعضای شورای هماهنگی جبهه اصلاحات)

به این ترتیب سردمدار اصلاحات درون حکومتی حب و بغض خود را به مجاهدین خلق نشان می‌دهد . موسوی و دیگران به خوبی میدانند که چگونه سناریو را پیش ببرند . آنان بارها اعلام کرده‌اند که در چارچوب نظام است که خواهان سهم خود هستند و غافل از اینکه مردم در خیابانها کلیت نظام را نشانه گرفته‌اند . ترس رژیم از بحران پیش آمده به قول خودشان به حدی است که بیشترین سرمایه‌گذاری را میکند تا از وضعیت فعلی خلاصی یابد . نمونه واضح آن را در حرکت‌های شکل گرفته در خارج از کشور به خوبی می‌توان دید . از مزدورانی که به خود اجازه نمایندگی از طرف ملت را میدهند تا سایت‌ها و رادیو‌هایی که به موقع و به دستور و با پول رژیم به میدان می‌آیند . متأسفانه در این میانه بخشی از اپوزیسیون خارج از کشور در تاریکی به دنبال فیل می‌گردد و به یکباره و هیجان زده وارد دور جدیدی می‌شود که خواست رژیم است . موج سبز و به تبع آن حفظ موجودیت رژیم به هر صورت ممکن برخی را تبدیل به سیاهی لشگری نموده که بدون تحلیل مشخص دنباله روی را پیشه خود کرده‌اند . شیخ کروبی با دادن نامه‌ای مبنی بر اینکه در زندان‌ها تجاوز جنسی میشود به خیال خودش برگی از هزاران برگ جنایتی را رو کرد که خود در ده شصت به طور اخص در اجرا آن سهیم بوده است . اما ظاهراً در آن موقع به فتوای آقایون واجب بوده است . آیا هزاران زندانی سیاسی که در سی سال گذشته مورد انواع و اقسام تجاوزات قرار گرفتند فرزندان ایران زمین نبودند؟ چرا این به اصطلاح اصلاح طلبان چشم خود را به روی جنایتی که در هفته‌های گذشته در شهر اشرف روی داد بسته‌اند ؟ شیخ کروبی . موسوی . هاشمی . خامنه‌ای . احمدی نژاد و هزاران هزار جنایت کار دیگر از این فامیل هزار توی نه فقط به فکر ایران و آزادی نیستند بلکه میخواهند به صورتی شده نظام خودشان را حفظ کنند . آقایان باید بدانند که این شامورتی بازی که در آورده‌اند به درد خودشان می‌خورد . نیرو های سرنگونی طلب به چیزی جز نابودی سیستمی که سی سال ارمغانی جز کشتار به همراه نداشته رضا نمی‌دهند . جنبش مردم ایران با خون خود خط سبز را پشت سر خواهد گذاشت و گول سناریویی که سعی در به انحراف کشاندن مبارزات مردمی را دارد نخواهد خورد. افشاکاری‌های آخوند‌های

حاکم از هر فرقه و دسته ای تنها می تواند حقانیت گفتار ما را به اثبات برساند . ما فیل را سالیان دراز است که دیده ایم و در شرح آن برای خفتگان در تاریکی لحظه ای از پای نخواهیم نشست و اما سخنی با همدلان در شرایط حاضر تنها با حمایت ورقی و لفظی کاری از پیش نمی رود به عنوان یک چپ و بدور از اختلاف نظرهای فکری که سالیان دراز است مجاهدین خلق دارم پیشنهاد برگزاری اکسیون های اعتراضی بر علیه رژیم حاکم بر عراق را دارم . هموطنان مبارز ما هفته هاست که در محاصره پلیس عراق قرار دارند تندی از آنان در حمله وحشیانه پلیس کشته شده اند که خود بهتر از من می دانید بیایید با هم فریاد مان را به خیابانها ببریم و به دفاع از جان هایی بپردازیم که آرزویی جز آزادی میهنشان در سر ندارند. خود را به خواب نزنیم و خمیازه کنان به گوشه ای ننشینیم.

کامران پارسایی
کلن آگوست 2009